



دیدار جمعی از خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و گروهی از مردم غیور کشور - 2 / آبان / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا لازم است به برادران عزیزی که از شهرهای مختلف تشریف آورده‌اند، مخصوصاً آزادگان عزیز که قدمشان برای ملت ایران مبارک است و ان شاء الله مبارک خواهد بود، و همچنین خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان عزیز، خیرمقدم عرض کنم و تشکر نمایم.

عطر جهاد و شهادت، در این فضا پراکنده است. آزادگان، کسانی هستند که افتخار سالهای پربرکت و پراجر دوران زندگی جوانی خودشان را همراه دارند و یاد روزها و ساعتها و لحظه‌های دشوار و پرخاطره‌یی را برای ما زنده می‌کنند. هر ساعتی که شما گذراندید، پیش خدا محفوظ است. آن شبهای طولانی و پررنج، آن روزهای پرهراس و دشوار، آن سختیها و فشارها، آن مرعوبیتها، آن گرسنگی و سرما و گرما، آن دوری و غربت و جفا کشیدن از ناهلان، ایستادگی در مقابل خواست دشمنان خدا و همه‌ی این ساعتها و لحظه‌ها و رنجها، در دیوان الهی محفوظ است. خیال نکنید که اینها از بین رفت. همه‌ی اینها، مثل یک نوار صوت و تصویر مانده است. یک لحظه‌ی از این لحظات، از بین نرفته و پیش خدا موجود است. شما جانبازان عزیز هم همین‌طور؛ شبهای سختیتان، رنج میدان جنگتان، سختی بیمارستان و بسترتان، دردهایتان، رنجهای ناشناخته‌تان. و شما خانواده‌های شهیدان، صبرتان، داغ سوزنده و درعین حال شیرینتان، فراق عزیزانتان، فقدان میوه‌ی دلتان، چون برای خداست، همه و همه محفوظ است. در نظام و حیات طبیعه‌ی اسلامی، هر حرکتی که مؤمن انجام می‌دهد، باید با همین فکر باشد که این حرکت و این گفتار، پیش خدا محفوظ است و به سراغ ما خواهد آمد. هیچ‌کدام از این گفته‌ها و کرده‌ها و حرفها و سکوتها و حرکتها و سکوتها و رفتن و نرفتنها و فداکاری کردن و فداکاری نکردنها و هوای نفس را زیر پا گذاشتن و زیر پا نگذاشتنها، فانی و زایل نشده، بلکه همه موجود است. روز قیامت، وقتی این صفحه‌ی اعمال را باز می‌کنند و انسان نوار را در مقابل خود می‌بیند و مشاهده می‌کند که همه چیز در او هست، آن وقت کسی که در دنیا این حقیقت را نفهمیده، به آن ایمان نیاورده و از آن غفلت ورزیده است، تعجب می‌کند و می‌گوید: "ما لهذا الکتاب لایغادر صغیره ولا کبیره الا احصیها". عجب پرونده‌یی است! عجب نوار زنده‌یی است! کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر این که آن را احصا کرده است.

ما باید در تمام حرکات و اعمال خود، این حقیقت و این درس بزرگ اسلام و درس بزرگ معلم عزیز ما در این دوران - یعنی امام بزرگوار که خود عامل به اسلام بود و اسلام فقط در زبان و حنجره‌ی او نبود، بلکه از اعماق وجود او می‌تراوید - در یادمان باشد که در کارهایمان، نیت خیر، نیت الهی و قصد خالص داشته باشیم. اگر خود او این نیت خالص را نمی‌داشت، انقلاب به این جا نمی‌رسید. و اگر این امت مسلمان و مؤمن و خداجوی و امام‌دوست و مرید آن رهبر عظیم‌الشأن و عالی‌مقام و شایسته، در کارهایشان قصد خدا نمی‌داشتند و نیتهای دنیاطلبانه و هواهای نفسانی و اغراض فردی و گروهی و غیره، بر اعمال و رفتارشان حاکم می‌بود، این انقلاب به این جا نمی‌رسید. آنچه انقلاب را به این جا رساند، همان ایمانهای پاک و خالص و نیتهای صادق و روحهای سرشار از اخلاص و صفا بود. از حالا به بعد هم همین‌طور است.

ما از روز اول انقلاب تا حالا، مراحل بسیاری از این راه دشوار را پیموده‌ایم. اگر کسی انکار کند، یا چشم ندارد و یا وجدان. اگر کسی تصور کند که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، در اهداف خود توفیق پیدا نکرده، یا از لحاظ آگاهی کور است، یا از لحاظ قلب و وجدان و انصاف. ما خیلی پیش رفتیم. امروز در زیر این آسمان، هیچ دولت و ملتی را شما نمی‌توانید پیدا کنید که از لحاظ ارزش بخشیدن به ارزشهای انسانی - آن چیزی که برای انسانها در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد - یعنی آزادی، سربلندی، استقلال، اسیر نبودن، ذلیل نبودن، توسری‌خور قدرتها و



دولتها نبودن، به اشاره‌ی این و آن حرکت نکردن، طبق مصلحت و اراده‌ی خود راه رفتن، احساس مسؤلیت داشتن و حرکت و آگاهی و قدرت داشتن آحاد آن، مثل ملت و دولت ایران و جمهوری اسلامی باشد. این، یک چشمه از پیروزیهای جمهوری اسلامی است و البته باز هم پیروزیهای زیادی وجود دارد.

آن قدری که در ده، دوازده سال گذشته در این کشور، خدمت به محرومان و قشرهای مظلوم انجام گرفته، به روستاها، به روستاییها، به بخشهای دوردست کشور، به کارهای بی‌زرق و برق اما پرفایده، با وجود محاصره‌ی اقتصادی، چند برابر آن حجم و تعدادی است که در طول سالهای متمادی حکومت گذشتگان انجام گرفته است. ما خیلی پیش رفتیم؛ اما بدانید که هنوز کارهای زیادی در پیش داریم و مسایل زیادی پیش رویمان است. این ملت، برای به دست آوردن پیروزیهای بعدی، باید همان عواملی را که تا این جا او را پیروز کرده و پیش آورده، با کمال قدرت حفظ کند. هنوز ما خیلی کار داریم.

یک مطلب را امروز در نظر گرفته‌ام که به شما عرض کنم. این مطلب، جزو مسایل ملت و نظام جمهوری اسلامی است و آن، مسأله‌ی بیت‌المقدس شریف و ملت مظلوم فلسطین است. مگر ما می‌توانیم از این مسأله غافل بشویم، یا آن را به دست فراموشی بسپاریم؟ خصوصیت نظام اسلامی همین است که تصمیم‌گیری آن، بر اساس عقیده و تکلیف الهی است. هیچ‌کدام از فقهای اسلام، تردید و اختلافی ندارند که آن وقتی که دشمن بر سرزمین مسلمانان مسلط شد و کیان اسلامی را در کشوری تهدید کرد، وظیفه‌ی همه‌ی آحاد مسلمین است که در یک جهاد بزرگ و همه‌گیر، با آن دشمن مبارزه کنند، او را از آن سرزمین اسلامی اخراج کنند و مجازات و تنبیه نمایند. آیا صهیونیسم خبیث خطرناک جنایتکار و دشمن اسلام و مسلمین، متجاوز است یا نیست؟ آیا سرزمین فلسطین، خانه و قبله‌ی مسلمین است یا نیست؟

امروز، چهل‌واندی سال است که خبیثترین دشمنان اسلام و انسانیت - یعنی همین صهیونیستهای غدار و مکار - بر بخشی از وجود ما، بر بخشی از خانه و سرزمین ما تسلط پیدا کرده‌اند. وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی مسلمانان چیست؟ وظیفه‌ی ملت‌های دیگر اسلامی در قبال فلسطین چیست؟ آیا وظیفه سکوت است؟! اف بر آن سران کشورهای وابسته و خائن که برای خاطر دو روز بیشتر حکومت کردن و جلب محبت امریکا و قدرتهای بزرگ، از وظیفه‌ی با این عظمت، صرف نظر می‌کنند. ملت اسلام باید بیدار باشد و این وظیفه را فراموش نکند. دشمن خدا، از غفلت مسلمین سوء استفاده کرد؛ والا چندصد هزار صهیونیست در اول کار، بعد هم تا امروز یکی، دو میلیون با همه‌ی آن حواشی‌یی که از اطراف دنیا فراهم کردند، مگر چه قدر قدرت دارند؟ اگر سران کشورهای اسلامی بهوش بودند، اگر ملت‌های اسلامی بیدار بودند، مگر کم‌که‌های امریکا در آن صورت می‌توانست اسرائیل را نجات بدهد؟ ایدا. مسلمانان غافل می‌مانند که دشمن می‌تواند اظهار وجود بکند. دشمن چندان قوی نیست؛ ما از قوت خودمان غافلیم.

شما نگاه کنید، به مجرد این که در این منطقه، برای افکار عمومی، یک سرگرمی درست شد - حمله‌ی عراق به کویت و لشکرکشی امریکا و دیگران به منطقه‌ی خلیج فارس - و در این جاها دری به تخته خورد، فوراً آن مار هفت سر و خطرناک و سرطان‌پلید، پنجه‌های خودش را باز کرده و با مسلمانانی که خانه‌ی آنها به وسیله‌ی صهیونیستها غصب شده، این‌طور معامله می‌کند. چرا دنیا عکس‌العمل نشان نمی‌دهد؟ چرا ملت‌های اسلامی در مقابل این همه فاجعه و جنایت، سکوت می‌کنند؟ مگر اسرائیل و دشمن صهیونیستی، به کجا متکی است؟ مگر امریکا چه قدر قوت و قدرت دارد که مسؤولان و سیاستمداران کشورهای اسلامی، باید این قدر مرعوب باشند؟! ملت‌ها باید سر بلند کنند و بیدار بشوند. می‌بینند که امروز محافل به اصطلاح حقوق بشر و خیرخواه و انساندوست - به حسب تیترو عنوان و تابلو - هیچ غلطی نکردند و همه‌ی ادعاهایشان دروغ از آب درآمد. این را نمی‌بینند؟

یک دولت غاصب و غدار و زورگو، یک عده انسان‌های بی‌دفاع و جوانان و نوجوانان و کودکان خردسال را داخل



خانه‌هایشان و در خیابان‌هایی که متعلق به آنهاست، به خاک و خون می‌کشد؛ ولی از دنیا هیچ صدایی در نمی‌آید. آن وقت یک جوان فلسطینی، وقتی که عکس‌العمل نشان می‌دهد و دو، سه نفر را به درک واصل می‌کند، یکی از این طرف دنیا، یکی از آن طرف دنیا، سر بلند می‌کنند و اظهار تأسف می‌کنند! چه تأسفی؟! خیلی خوب کرد، دستش درد نکند. آن ملتی که نتواند از حق خودش دفاع کند، باید توسری بخورد. آن روز اول، فلسطینیها خواب و غفلت نشان دادند، دشمن این‌گونه بر آنها مسلط شد. امروز فلسطین بیدار شده است. مسلمانان در فلسطین بیدار شده‌اند. این صهیونیستها، جز زبان زور، هیچ چیز نمی‌فهمند. چهل سال است که هرچه سازمان ملل نسبت به مسأله‌ی فلسطین، علیه صهیونیستها قطعنامه صادر کرده است، اینها رد کرده‌اند. اینها لوس شده‌اند! سکوت و اغماض را هم که از قدرتهای بزرگ و از ملتها و دولتها دیدند، جری شدند. آنها از قطعنامه نمی‌ترسند. مگر اسرائیل را با قطعنامه می‌شود عقب نشانند؟ اسرائیل با زور و سلاح و مشت، عقب خواهد نشست.

من بعید نمی‌دانم که اگر همین فشار داخلی از طرف جوانان فلسطینی، علیه دولت صهیونیست نبود، این سردمداران خبیث صهیونیست، از این جنجال دنیا در خلیج فارس استفاده می‌کردند و تا حالا نصف لبنان را گرفته بودند. اول هم شروع کردند، منتها فشار داخلی - همین حمله‌ی دست خالی و مظلومانه‌ی این جوانان مؤمن و شجاع - آنها را سر جایشان نگه‌داشت. یک روی دیگر قضیه، همین مسأله است؛ یعنی عصبانیت صهیونیستها به خاطر اوج حرکت اسلامی در داخل سرزمینهای اشغالی.

این، وظیفه‌ی ماست. این، وظیفه‌ی همه‌ی کشورهای اسلامی است. مسأله‌ی فلسطین، فقط متعلق به عربها و همسایه‌های فلسطین نیست؛ تمام مسلمین عالم در هر جای دنیا که هستند، نسبت به قضیه‌ی فلسطین باید احساس مسؤولیت کنند. کسانی که در داخل و یا از خارج، واقعا با حکومت غاصب صهیونیستی می‌جنگند - نه مدعیان آزادیخواهی که دستشان در دست امریکا و دشمنان اسلام است - باید از طرف ملت و دولت ما و ملتها و دولتهای مسلمان دیگر، با پول و سلاح و تبلیغات کمک بشوند. هرطوری که امروز ممکن است، باید کمک بشوند. ما چون خودمان با فلسطین همسایه نیستیم، تا مبارزه‌ی رویارویی با اشغالگران بکنیم، و دیگرانی که یا همسایه نیستند، یا به هر دلیلی تواناییش را ندارند، باید مبارزان را تجهیز کنند. این، یک وظیفه‌ی شرعی و حتمی برای همه‌ی مسلمانان است. تا این وظیفه انجام نگیرد، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد. و اگر انجام بگیرد، قطعاً صهیونیستها و پشتیبانانشان شکست خواهند خورد.

مطلب خیلی مختصری هم راجع به مسایل داخلی عرض بکنم و آن، این است که دو جناح از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در طول این یکی، دو هفته، دو نامه به من نوشتند که البته یکی از آن دو رسید و دیگری را هم ما از رسانه‌ها شنیدیم. به هر حال، آنها نامه را تنظیم کردند و از ما جواب خواستند. من در وقت خودش - حالا نه - جواب خواهم داد و در هنگام خودش، راجع به برخی از مسایل لازم، آن وقتی که احساس کنم باید برای ملت عزیزمان، مطالب روشنتر و مشروحتر بیان بشود، مطالبی خواهم گفت. حالا فقط یک جمله عرض می‌کنم و آن، این است که مجلس شورای اسلامی، جایی است که امید ملت ما به آن نقطه است. این مجلس برای ملت سنگر است؛ اما سنگری در مقابل دشمنان، در مقابل امریکا، در مقابل ضد انقلاب. آن کسی که مردم او را به این سنگر می‌فرستند، می‌فرستند تا در این سنگر، از انقلاب دفاع کند.

در این چند وقت گذشته، بعضی حرفها از بعضی از نمایندگان مجلس شنیده شد که حرف خودیها نبود؛ حرف غریبه‌ها بود! ما شبیه آن حرفها را در این چند ساله، جز از رادیوی اسرائیل و رادیوی امریکا و رادیوی منافق نشنیده بودیم و در مجلس، کسی از این حرفها زده بود! نروند بگویند ما در مجلس آزاد نیستیم. خیر، نماینده در مجلس آزاد است. کسی نباید بیاید آزادی را به ماها، یا به این مسؤولان امروز کشور یاد بدهد که عمرشان را برای آزادی به مجاهدت گذراندند. آزادی، حق نماینده و حق ملت است؛ اما آزادی در چه؟ آزادی در این که علیه ملت و برعکس



خواسته‌ی ملت در آن جا بایستند و مثل سخنگوی رادیو اسرائیل حرف بزنند؟! نه، این آزادی نیست. در جامعه‌ی اسلامی، این آزادی برای هیچ کس نیست.

انقلاب این مردم، عزیزتر و قیمتی‌تر از آن است که این ملت بخواهند اجازه بدهند که یک نفر به خاطر یک غرض شخصی، یا یک غرض گروهی و باندي، در سنگري بایستند که جاي دفاع از انقلاب است، و عليه انقلاب و عليه مردم و به زیان نظام جمهوری اسلامی، همه چیز را زیر سؤال ببرد و برای رادیوها خوراک درست کند و بلکه حرفی بزند که رادیوهای دیگر، حول و حوش آن حرف، هیچ تفسیری لازم نداشته باشند! این ملت، قطعا چنین چیزی را اجازه نخواهد داد.

من به هر دو جناح - حالا خودشان دو جناح می‌گویند، من که بین نمایندگان مؤمن و مخلص و انقلابی، خیلی دوئیتی نمی‌بینم - عرض می‌کنم، طوری عمل کنید که یک وقت نشود نگاه کنید ببینید، شما از یک راه می‌روید و ملت از راه دیگری برای خودش می‌رود و موکلینتان پشت سر شما نیستند. اگر مجلس شورای اسلامی، جایی برای این شد که بعضیها با هم تسویه حساب کنند، یواش یواش همین‌طور خواهد شد. حق نمایندگان علاقه‌مند به وظیفه و کارشان هم، ضایع خواهد شد.

البته امروز اکثر کسانی که در این مجلس محترم مشغول خدمت هستند، قطعا احساس وظیفه می‌کنند؛ در این شکی نیست. نمایندگان ما، در بین نمایندگان مجالس ملی دنیا نمونه‌اند. بدانید هیچ جا، نه در کشورهای غربی و نه در کشورهای شرقی - که همه‌اش دیگر حالا مثل هم است - نه در کشورهای اسلامی و نه غیر اسلامی، نمایندگان مجلسها، به صفا و پاکی و مردمی بودن و مسؤولیت‌شناسی و خلوص نمایندگان ما در این مجلس عظیم‌الشان شورای اسلامی نیستند. هیچ کس مثل اینها نیست. اینها خیلی خوب هستند، منتها باید خودشان این را پیش از دیگران حفظ کنند. نکند چهار نفر آدم جاهل، عصبانی و بی‌توجه به مسؤولیت، حرکتی بکنند و مجموعه‌ی پاک و مطهری را زیر سؤال ببرند.

البته مردم باید احترام مجلس شورای اسلامی را حفظ کنند. این تذکر من، تذکری است که وظیفه دارم آن را بگویم. این، موجب نشود که حالا خدای نکرده از طرف کسی، نسبت به مجلس شورای اسلامی بی‌احترامی رخ بدهد. مجلس، والاترین و رفیعترین بخش از مجموعه‌ی قانونی این نظام است و جایگاه ملت می‌باشد. باید مجلس را با همین احترام و عظمت حفظ کنند و هیچ کس، نه در داخل مجلس و نه خارج از آن، کاری که موجب تضعیف مجلس بشود، نباید انجام بدهد. خداوند ان شاء الله همه‌ی شماها را توفیق بدهد و همه‌ی ما را به آنچه که مرضات او در آن است، هدایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته